


نوع مقاله: پژوهشی

مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ علامه مصباح یزدی و تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن*

حمید آریان / دانشیار گروه تفسیر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

aryan@iki.ac.ir

 orcid.org/0000_0001_6102_3650

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی از عالمان برجسته پرورش‌یافته در دامان حوزه علمیه قم در سده اخیر است که در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی، از جمله دانش تفسیر قرآن، نظریه‌پرداز و دارای آثار گران‌سنگ علمی است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، شخصیت تفسیری آن عالم فرزانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیت‌الله مصباح مبتکر مدل تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن است. ویژگی این مدل ابتکاری تفسیر موضوعی، کل‌نگری و فراگیری حداکثری نسبت به موضوعات مرتبط با قرآن، مطابقت‌داشتن با کل نظامات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام، معطوف‌بودن به علوم اسلامی و انسانی و ناظر بودن به چالش‌ها و شبهات روز است. نظریه‌پردازی در تفسیر قرآن، نگرش سیستمی به آموزه‌های قرآن و نگاه منظومه‌ای به عرضه موضوعی معارف آن، از دیگر ویژگی‌های شخصیت تفسیری استاد مصباح است. آثار تفسیری ایشان کل منظومه اندیشه اسلامی قرآن‌بنیان را در چهارحوزه مسائل بنیادین الهیاتی، مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی، مسائل نظامات اخلاقی و اجتماعی و احکام عبادی و فردی منعکس می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مفسران سده چهاردهم، شخصیت‌های تفسیری، دانش تفسیر قرآن، حوزه علمیه قم، محمدتقی مصباح یزدی.

حوزه علمیه قم با سابقه‌ای بیش از هزار سال، از زمان ورود اشعریان به این دیار مبارک تا کنون همواره یکی از مراکز و پایگاه‌های فکری و مذهبی شیعیان امامی بوده است. این حوزه کهن در طی قرون و اعصار، صدها، بلکه هزاران عالم محدث، متکلم، فقیه، مفسر، مورخ و حکیم را در دامان خود پرورانده است. اوضاع و مکانت علمی حوزه قم در طول قرون و اعصار دستخوش فراز و فرودهایی چند بوده است که مجال ذکر آنها در این مقال نیست؛ اما در قرن سیزدهم شمسی، به‌ویژه در اواخر حکومت سلسله قاجار در ایران، وضع این حوزه به علی‌کم‌فروغ گردید. با ورود و استقرار آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم حائری یزدی در اواخر سال ۱۳۰۰ شمسی به شهر قم، حوزه علمیه این شهر احیا شد و طی سده چهاردهم هجری شمسی از جنبه‌های مختلف علمی به رشد و شکوفایی رسید و در اواخر این سده به بزرگ‌ترین، پررونق‌ترین و تأثیرگذارترین مرکز علمی - اسلامی تبدیل شد و آوازه‌ای جهانی یافت.

در این سده، عالمان و اندیشمندان بسیاری در علوم مختلف اسلامی، اعم از فقه و فلسفه و حکمت و تفسیر و حدیث و تاریخ و عرفان، در این حوزه مبارک نشو و نما و پرورش یافتند که از جمله آنان استاد آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی رحمته‌الله است. این مقاله به واکاوی و معرفی شخصیت علمی این عالم ربانی به‌عنوان یکی از چهره‌های درخشان سده اخیر حوزه علمیه قم در عرصه تفسیر قرآن می‌پردازد.

بر اساس فحوص نگارنده، تا کنون اثری در زمینه بررسی شخصیت تفسیری آیت‌الله مصباح به‌صورت خاص نگارش نیافته است. آثاری که درباره این بُعد از شخصیت علمی ایشان وجود دارد، بیشتر مربوط به توصیف اجمالی مبانی و روش تفسیری ایشان است که به‌اختصار آنها را مرور می‌کنیم. مقاله «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح» (رجبی، ۱۳۸۸)، مراحل تفسیر موضوعی از منظر استاد مصباح را اجمالاً برمی‌شمارد. مقاله «بررسی تطبیقی روش تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی» (اسماعیلی، ۱۴۰۰)، به مقایسه روش تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح و آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد و وجوه تشابه و تمایز روش‌های آن دو را نشان می‌دهد. در مقاله «نگاهی به مبانی تفسیر قرآن در آثار استاد آیت‌الله مصباح» (عزیزی کیا، ۱۳۹۵)، برخی مبانی تفسیری ایشان مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است. همچنین پایان‌نامه «بررسی مبانی و آرای تفسیری آیت‌الله مصباح یزدی (فیروزیان، ۱۳۹۱) جوانبی از مبانی و آرای تفسیری ایشان را کشف و بازگویی می‌کند.

با وجود همه این کوشش‌ها و به‌رغم آوازه علمی شخصیت استاد مصباح، به‌نظر می‌رسد که جایگاه و شأن ایشان در تفسیر قرآن چندان شناخته نیست و نیازمند معرفی بیشتر و تحلیل و بررسی‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر است. مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، بازنمایی منزلت و شخصیت علمی علامه مصباح یزدی در زمینه دانش تفسیر قرآن را در سه محور پی می‌جوید: در محور نخست، حیات علمی ایشان به‌اختصار تصویر می‌شود؛ در محور دوم، ویژگی‌های علمی ایشان در دانش تفسیر قرآن بر محور ابتکارات و تلاش‌های خلاقانه علمی و فکری استاد در این دانش ترسیم و تحلیل می‌گردد؛ در محور سوم، با نگرشی در آثار و دستاوردهای علمی استاد در عرصه تفسیر و تحلیل محتوایی آنها، هویت موضوعی و اهمیت آنها بیان می‌گردد.

۱. نگاهی به حیات علمی و قرآنی علامه مصباح یزدی

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی از نادر عالمان پرورش یافته در دامان حوزه علمیه قم است که در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی، از جمله دانش تفسیر قرآن، درخشیده و صاحب اندیشه و آثار گران سنگ علمی است. وی در سال ۱۳۱۳ در خانواده‌ای متدین در شهر یزد به دنیا آمد و پس از اتمام دوره تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه یزد شد و دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مدت چهار سال به پایان رساند. وی در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل به همراه خانواده به نجف اشرف هجرت کرد و در درس «مکاسب» و «کفایة الاصول» اساتید آن حوزه شرکت جست؛ اما به دلیل مشکلات مالی پدر، این اقامت چندان دوام نیاورد و به رغم میل به ادامه تحصیل در آن دیار، مجبور شد پس از توفقی کمتر از یک سال، با والدین به ایران مراجعت کند. او سپس تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم پی گرفت و بقیه مکاسب و کفایه را به اتمام رساند و سالیانی متمادی در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات بروجردی، امام خمینی و بهجت شرکت کرد و در سنین جوانی به درجه اجتهاد نایل آمد.

وی دروس فلسفه و تفسیر را نیز به مدت حدود ده سال از محضر علامه طباطبائی بهره برد و سپس خود به جرگه مدرسان و استادان حوزه پیوست و به آموزش تفسیر، فلسفه، کلام، اخلاق، فلسفه اخلاق و منظومه‌های فکری اسلامی در زمینه علوم انسانی با محوریت معارف قرآن پرداخت. این عالم بزرگ و فرزانه پس از عمری سرشار از مجاهدت و پارسایی و تربیت صدها شاگرد فاضل و برجسته و تولید ده‌ها اثر فاخر علمی در زمینه علوم اسلامی و انسانی، به‌ویژه تفسیر قرآن، در دوازدهم دی ماه سال ۱۳۹۹ با کارنامه‌ای پرافتخار و درخشان به دیدار معبود شتافت (ر. ک: پایگاه اطلاع‌رسانی آثار آیت‌الله مصباح یزدی <https://mesbahyazdi.ir/node>).

طبعا چون این نوشتار ناظر به ابعاد مختلف شخصیت علمی استاد مصباح به صورت مطلق نیست و بر شخصیت تفسیری ایشان تمرکز دارد، تمام مباحث بعدی در راستای این هدف به تبیین و تحلیل حیات علمی - تفسیری ایشان می‌پردازد.

۲. ویژگی‌های شخصیت تفسیری آیت‌الله مصباح یزدی

۲-۱. طراحی مدلی مبتکرانه در تفسیر موضوعی قرآن و اجرای آن

مهم‌ترین و بارزترین ویژگی و وجه تمایز شخصیت علمی آیت‌الله مصباح در تفسیر قرآن، طراحی و ارائه و اجرای مدلی مبتکرانه برای تفسیر موضوعی قرآن است که ما در این نوشتار از آن به «تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن» یاد می‌کنیم. طرحی که آن عالم فرازانه ارائه داده، بی‌سابقه بوده است و به خود ایشان اختصاص دارد. مدل و روش تفسیری مبتکرانه استاد مصباح دارای چهار ویژگی ممتاز است: الف) کل‌نگرانه و جامع است؛ ب) مطابق و متناسب با منظومه نظام‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام طراحی شده است؛ ج) در پیوند با دانش‌های اسلامی و علوم انسانی است؛ د) ناظر به چالش‌ها و شبهات روز و رفع و دفع آنهاست. اینک هریک از ویژگی‌های یادشده را جداگانه بیان و بررسی می‌کنیم و از خلال آن، اضلاع شخصیت علمی تفسیری استاد را به تصویر می‌کشیم.

۱-۲. طرحی کل‌نگر و جامع برای همه موضوعات قابل عرضه بر قرآن

یکی از ویژگی‌های ممتاز مدل تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد آیت‌الله مصباح این است که کل‌نگر و جامع است؛ بدین معنا که در این طرح، هم از جهت تنوع و کثرت موضوعات و شمول و پوشش حداکثری آن نسبت به همه مقولات ریز و درشتی که به‌لحاظ محتوایی با قرآن پیوند دارند و هم به‌لحاظ ساختار و ترتب و انتظام و ارتباط منطقی بین موضوعات، حقیقتاً کاری کاملاً ابداعی و بی‌بدیل است و هیچ‌یک از طرح‌هایی که در این باره ارائه شده یا طرح‌های نانوخته‌ای که تفاسیر موضوعی قرآن براساس آنها سامان داده شده‌اند، جامعیت، قوت و مزایای آن را ندارند.

اصل این ایده پس از آن شکل گرفت که استاد مصباح در دههٔ چهل عهده‌دار تدریس مادهٔ درسی تفسیر قرآن در مدرسهٔ علمیهٔ منتظریه، معروف به مدرسهٔ حقانی قم، با مدیریت شهیدان بهشتی و قدوسی شدند. ایشان در ابتدا دو یا سه سال به روش متعارف به تفسیر ترتیبی آیات از سوره‌های کوتاه و بلند قرآن برای طلاب سطوح مختلف آن مرکز پرداختند و بعد این روش را به‌دلیل طولانی بودن (چنان‌که تفسیر یک دورهٔ قرآن بیست سال طول می‌کشید) و مفید نبودن آن در رفع نیازمندی‌های جامعه، کنار گذاشتند و به ایدهٔ دسته‌بندی موضوعی آیات و تفسیر موضوعی قرآن روی آوردند (ر. ک: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

استاد مصباح در مقدمهٔ کتاب تفسیر موضوعی خود با عنوان «معارف قرآن» (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، مقدمه) و برخی سخنرانی‌های خود (ر. ک: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، سخنرانی استاد مصباح، ص ۲۳-۳۲)، اصل شکل‌گیری این ایده و طراحی یک مدل کل‌نگر در دسته‌بندی موضوعات برای عرضهٔ آنها به قرآن و سپس تفسیر آیات بر محور هر موضوع، کم و کیف آن و مزیت آن بر طرح‌های دیگر را تشریح کرده است. وی ضمن توصیف طرح‌های مهم دیگر، مانند طرح سامان‌دهی معارف قرآن براساس سه مقولهٔ «عقاید اسلامی»، «اخلاق اسلامی» و «احکام اسلامی» و طرح سامان‌دهی معارف قرآن با محوریت انسان، اشکالات و نارسایی‌های متعدد آنها را برمی‌شمرد و از طرح سومی که خود ابداع و پیشنهاد کرده است، سخن می‌گوید. این طرح، سامان‌دهی و دسته‌بندی معارف قرآن با محوریت الله است (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، مقدمه؛ مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۶). وی سپس در وصف جامعیت و کل‌نگرانه بودن آن به‌اختصار می‌گوید: [در این طرح، موضوع] از خدا شروع می‌شود و همه چیز را در ارتباط با خدا مطرح می‌کنیم؛ وجود خدا، صفات خدا، افعال خدا، افعال کلی الهی، افعال خاص خدا در عالم، خلقت جهان، خلقت انسان، تدبیر الهی نسبت به عالم، تدبیر الهی نسبت به انسان، و بعد تدبیر انسان هم شعبه‌هایی پیدا می‌کند و به مسائل اجتماعی و اخلاقی و حقوقی و سیاسی و امثال آن می‌رسد (ر. ک: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۶).

استاد مصباح، هم در زمینهٔ انطباق این طرح بر منطق قرآن به‌دلیل محوریت موضوع کانونی قرآن، یعنی الله، و هم دربارهٔ ترتب طولی موضوعات می‌گوید: (در این طرح) تقسیم (موضوع)ها راه، نه در عرض هم، بلکه در طول

یکدیگر انجام (می)دهیم؛ یعنی معارف قرآن را مثل یک رودخانه جاری و آبشاری که از منبع فیض الهی سرازیر است و به هر بخشی و مرحله‌ای که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌کند، در نظر می‌گیریم: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا» (رعد: ۱۷)... (و) مثل یک چشمه جاری می‌بینیم که از مرحله‌ای می‌گذرد و وارد مرحله دیگری می‌شود که این مرحله‌ها تقسیماتشان طولی است. اول، نقطه معینی دارد که از آنجا آغاز می‌شود و چون لبریز شد، به مرحله دوم سرازیر می‌شود. مرحله دوم فرعی از مرحله اول است، نه اینکه در کنار آن و قسیم آن باشد. گویانکه تقسیمات طولی کم‌کم به جایی می‌رسد که پخش می‌شود و شاخه‌هایی هم پیدا می‌کند...؛ بدین ترتیب، معارف قرآن از نقطه آغاز هستی شروع می‌شود و مراحل خلق و تدبیر الهی به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرند و با بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی انسانی پایان می‌یابد و در همه مراحل نیز ارتباط با محور اصلی (الله) کاملاً محفوظ است (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ص ۱۳ و ۱۶).

براساس اطلاع ما، تقسیم‌بندی موضوعی معارف قرآن با این نگرش مجموعی و جامع، مسبوق به سابقه نیست. شاید فقط بتوان سرنخ‌هایی را در *تفسیر المیزان* یافت که احتمالاً الهام‌بخش استاد مصباح در ارائه این طرح و مدل بوده است (ر. ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵ و ج ۱، ص ۱۳). بنابراین، کل‌نگرانه بودن و فراگیری این طرح نسبت به همه موضوعات قابل استخراج از قرآن، امتیاز ویژه آن شمرده می‌شود.

۲-۱-۲. تفسیر موضوعی منطبق با نظامات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام

در قاعده و پایه اصلی مدل تفسیر موضوعی نظام‌مندی که آیت‌الله مصباح ارائه و اجرا کرده است، نظام اعتقادی اسلام قرار دارد و در میانه این مدل، نظام اخلاقی اسلام بر آن قاعده بنا نهاده شده است و در لایه و بخش روین مدل، نظامات اجتماعی اسلام قرار می‌گیرد که خود بر روی نظام اخلاقی پایه‌گذاری شده است.

الف) انطباق با نظام اعتقادی اسلام

در طرح و مدل مدنظر آیت‌الله مصباح، بحث تفسیر موضوعی از موضوع خداشناسی و توحید که محور اصلی و اساسی همه معارف قرآن است، آغاز می‌شود. به عبارت دیگر، وی بحث تفسیر آیات را موضوعاً از مبدأ هستی آغاز می‌کند. این محور اصلی (توحید)، خود سه محور فرعی موضوعی دارد: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید فعلی (افعالی). در توحید فعلی، فاعلیت خدا نسبت به مخلوقات مورد بحث است و از آنجا ایشان به جهان و نظام هستی و موجودات آن به‌عنوان فعل و آفریدگان خدا منتقل می‌شود و به تفسیر موضوعی آیات مربوط به آنها می‌پردازد و از میان آفریدگان به مهم‌ترین مخلوق، یعنی انسان، می‌رسد و بحث خلقت انسان و ویژگی‌ها و مقام او را مطرح می‌کند تا به غایت آفرینش و کمال انسان و مآل و معاد او می‌رسد. اگر بخواهیم تا اینجا را خلاصه کنیم، باید بگوییم که در این طراحی، ایشان از تفسیر موضوعی آیات خداشناسی به آیات جهان‌شناسی و از آنجا به آیات انسان‌شناسی می‌رسد.

در مرحله بعد، استاد مصباح موضوع تدبیر امر انسان از سوی خدا در شئون مختلف را مطرح می‌کند و به راه صحیح زندگی و درست زندگی کردن و نیاز به راهنمایی که واسطه بین خدا و بشرند، می‌پردازد و این بخش از معارف قرآن را با دو عنوان «راه‌شناسی» و «راهنماشناسی» مطرح می‌کند.

سپس به موضوع آموزه‌ها و دستورهای خدا که برای تدبیر امر حیات فردی و اجتماعی بشر و راهنمایی او در اختیار انسان قرار گرفته است، می‌پردازد و در این راستا به موضوع قرآن به‌عنوان تنها کتاب وحیانی و آسمانی برخوردار از اصالت و مصون از تحریف، که حاوی این رهنمودهای الهی است، می‌رسد و آیات مربوط به قرآن را به‌صورت موضوعی تفسیر می‌کند. این مبحث شامل آیات مربوط به چیستی قرآن، ویژگی‌های کلی آن از جهت تکوین الهی و شکل‌گیری تاریخی و نیز چگونگی فهم و تفسیر آن و سپس اصالت و سلامت آن از گزند دستبرد و تغییر و تحریف است که از آن با عنوان قرآن‌شناسی یاد می‌کند.

تا اینجا معارف قرآن مطابق و متناظر با نظام اعتقادی اسلام، در چینی‌شناسی منطقی و پیوندی نظام‌مند و مترتب بر هم، به‌صورت موضوعی تفسیر و ارائه شد؛ از خداشناسی آغاز گشت؛ به انسان‌شناسی و معاد انسان کشیده شد و در ادامه، بحث راه و راهنماشناسی و در پایان قرآن‌شناسی مطرح گردید. مجموع این بحث‌های موضوعی، نظام اعتقادی اسلام یا نظام الهیاتی قرآن را تشکیل می‌دهد که هم موضوعات اعتقادی و هم فلسفه آنها، یعنی برخی مباحث فلسفه دین را دربر می‌گیرد.

ب) انطباق با نظام اخلاقی اسلام

وقتی بررسی موضوعی مباحث اعتقادی قرآن پایان می‌پذیرد، نوبت به بررسی موضوعی محتوای قرآن و آموزه‌های آن به‌عنوان کتاب هدایت و نسخه راهنمای حیات آدمی می‌رسد. در اینجا استاد مصباح طبق طرح خود، موضوعاتی را پیش می‌کشد که در قرآن برای تدبیر زندگی فردی و اجتماعی بشر ارائه شده‌اند. این آموزه‌ها خود بر دو دسته اساسی‌اند: برخی به نظام اخلاقی و فلسفه اخلاق مربوط می‌شوند و بخشی دیگر به نظامات اجتماعی و شئون فردی زندگی ربط دارند. طبعاً بعد از نظام اعتقادی و الهیاتی قرآن، منطقی‌باید به نظام اخلاقی قرآن و تفسیر آیات مرتبط با این نظام و نیز بحث‌های مبنایی مربوط به گزاره‌های اخلاقی، که در واقع تحت موضوع فلسفه اخلاق در قرآن قرار می‌گیرند، پرداخت.

استاد مصباح مرحله دوم سیر موضوعی تفسیر آیات را با ورود به موضوع فلسفه اخلاق و تفسیر آیات آن آغاز می‌کند. از اصول موضوعه اخلاق شروع کرده، به بحث ویژگی‌ها و حیثیت‌های مفاهیم اخلاقی می‌پردازد و به مفاهیم اخلاقی قرآن می‌رسد؛ سپس تفاوت نظام اخلاقی اسلام با دیگر نظامات اخلاقی را یادآور می‌شود و بعد اساس ارزش‌های اخلاقی، راه تحصیل آنها و عوامل سقوط اخلاقی را از منظر قرآن پی‌جویی می‌کند. پس از آن وارد موضوعات مرتبط با مسائل اخلاقی در قرآن می‌شود و آنها را در چهار بخش مطرح می‌کند: اخلاق الهی (مسائل اخلاقی مربوط به پیوند انسان با خدا)؛ اخلاق فردی (مسائل اخلاقی انسان در پیوند با خودش) که بحث

مهم انگیزه‌های و گرایش‌های درونی را بررسی و مدل هرم نفس را مطرح می‌کند؛ در گام سوم به اخلاق اجتماعی (مسائل اخلاقی انسان در پیوند با انسان‌های دیگر) می‌پردازد و درنهایت، به اخلاق بین‌المللی یا اخلاق در روابط بین‌الملل اشاره می‌کند. مجموع این چهار بخش از تفسیر موضوعی آیات، بیانگر نظام اخلاقی قرآن است که خود بر نظام الهیاتی و اعتقادی قرآن مبتنی است.

ج) انطباق با نظامات اجتماعی اسلام

طرح تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد مصباح در بسط روبه‌جلوی خود، به موضوعاتی منتهی می‌شود که در قرآن برای تمثیت زندگی فردی و اجتماعی انسان مطرح شده‌اند. البته بخش عمده و بیش از نود درصدی این موضوعات، مربوط به گزاره‌ها و آموزه‌هایی است که به تدبیر حیات اجتماعی انسان مربوط می‌شوند و اندکی هم مربوط به تمثیت حیات فردی اعم از عبادی یا معیشتی افراد است. این بخش از طرح، شاخه‌ها و فروعات گوناگونی پیدا می‌کند که هر یک به بعد یا جنبه‌ای از حیات و نیاز زندگی فردی و اجتماعی آدمی مربوط می‌شود. پس اگر در تقسیمی، دو دسته از شئون فردی و اجتماعی را تفکیک کنیم، مدل ابتکاری استاد مصباح در مرحله سوم این‌گونه پیش می‌رود که بخشی از معارف قرآن در لایه سوم به شئون فردی زندگی افراد مربوط می‌شود. قسمتی از اینها شامل آموزه‌ها و برنامه‌های عبادی اسلام است که در آیات قرآن منعکس شده است. ذیل این قسمت، عناوینی چون نماز، روزه، حج، قربانی، دعا و ذکر قرار می‌گیرند و آیات مربوط به آنها تفسیر موضوعی می‌شوند؛ یعنی اعمالی که رکن اساسی آن را تقویت رابطه انسان با خدا تشکیل می‌دهد؛ هرچند مصالح اجتماعی زیادی نیز در آنها منظور شده است (ر. ک: مصباح، ۱۳۶۷، ص ۱۶). قسمت دیگر مربوط به احکام فردی است که در آیات به آنها پرداخته شده است. این قسمت شامل عناوینی چون حلال و حرام در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها (اطعمه و اشربه و صید و ذباحه) و تجمل و زینت می‌شود (ر. ک: همان، ص ۱۶).

اما بیشتر موضوعات این لایه به شئون جمعی و نظامات اجتماعی زندگی انسان تعلق دارد و احکام اجتماعی قرآن را در مباحث اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی در برمی‌گیرد. این بخش از معارف قرآن دو گونه‌اند: قسمتی از آنها به هستی‌شناسی جامعه و پدیده‌های اجتماعی و تاریخ مربوط می‌شوند؛ قسمت دیگر و عمده به احکام و نظامات لازم و مورد نیاز برای تمثیت و تدبیر زندگی اجتماعی تعلق دارد و شامل انواع احکام مدنی، احکام اقتصادی، احکام قضایی و جزایی (حقوقی به معنای عام آن) تا احکام سیاسی و احکام روابط بین‌الملل می‌شود. جایگاه موضوعی قسمت اول به عنوان مقدمه بحث احکام اجتماعی، در طرح استاد مصباح معین شده است و ایشان آن را ذیل عنوان «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» به تفصیل بحث کرده‌اند؛ اما بعد از آن وارد نظامات حقوقی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی اسلام شده و به تفسیر موضوعی آیات مربوط به آنها پرداخته است.

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، ظاهراً استاد مصباح نخستین کسی است که نظام اندیشه دینی را از اصول اعتقادی گرفته تا بنیادهای اخلاقی و مسائل آن و از آنجا تا حوزه نظامات اجتماعی و امور فردی و عبادی، در قالب

یک منظومهٔ منسجم مترتب بر هم بر اساس آموزه‌های قرآنی طراحی و مطالعه کرده و سپس بر آن اساس به نظریه‌پردازی پرداخته و حاصل این تلاش فکری را در قالب بستۀ فکری تقریباً جامع و کامل و منظم و قابل رقابت با نظام‌های فکری دیگر ارائه کرده است. مشابه این کار با این روش و در این سطح و با این گستردگی، مسبوق به سابقه نیست.

۳-۲. تفسیر موضوعی نظام‌مند معطوف به علوم اسلامی و انسانی

از جمله ویژگی‌هایی که در پرتو آن، شخصیت و شأن تفسیری استاد آیت‌الله مصباح بهتر و بیشتر نمایان می‌شود، عطف و تلاقی دادن بحث‌های تفسیر موضوعی قرآنی با علوم اسلامی و انسانی است. مباحث تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد مصباح، در هر سه لایهٔ مختلفش تماماً با علوم اسلامی یا با علوم انسانی به‌طور جدی گره خورده است. البته منظور از علوم انسانی، همهٔ مصادیق آن است و شامل علوم انسانی رایج روز و دیدگاه‌های مکاتب فلسفی و علمی رقیب، به‌ویژه نظریات فیلسوفان و دانشمندان غربی نیز می‌شود.

الف. تفسیر موضوعی نظام‌مند معطوف به علوم اسلامی

آن بخش از تفسیر موضوعی آیات قرآن که به الهیات قرآنی مربوط می‌شود، دقیقاً بر بعضی از علوم اسلامی تطبیق می‌کند: بحث خداشناسی بر مبحث کلامی خداشناسی و توحید و بخشی از انسان‌شناسی از جمله بحث گرایش به ابدیت و بقا، بحث رابطهٔ دنیا و آخرت و نیز بخشی از جهان‌شناسی مثل بحث عرش و کرسی و فرشتگان بر بحث کلامی معاد، و بحث راه و راهنماشناسی و قرآن‌شناسی و بخشی از بحث انسان‌شناسی مثل خلافت انسان هم بر بحث نبوت و نیز مباحث فلسفهٔ دین تطبیق می‌کند. به یک معنا می‌توان گفت که این بخش از مباحث تفسیر موضوعی، همان مباحث کلامی است، منتها با صبغهٔ اختصاصی یا اکثری قرآنی.

همچنین مباحثی که در لایهٔ دوم به‌عنوان تفسیر موضوعی آیات اخلاقی مطرح می‌شوند، با مباحث دانش اخلاق اسلامی تلاقی دارند. گرچه در اخلاق از منابع دیگر، مثل عقل و روایات و تاریخ هم برای القای مباحث اخلاقی بهره می‌برند و در تفسیر موضوعی با این گستردگی نیست، ولی نکتهٔ اساسی هم‌پوشانی زیاد آنها با هم است که به فهم جامع‌تر و برداشت دقیق‌تر از آیات در موضوعات مختلف و ازسوی دیگر دقت بیشتر علمی در مباحث علوم اسلامی، مثل تنقیح دقیق‌تر بحث‌ها یا تهذیب مسائل علوم اسلامی منجر می‌شود یا به عمق و غنای بیشتر آنها می‌انجامد. استاد مصباح که خود در این زمینه مبتکر است، از این رابطه و بهره‌مندی طرفینی در دو مقام مختلف بسیار سود برده است.

ب. تفسیر موضوعی نظام‌مند معطوف به علوم انسانی

درخصوص نسبت پیوند تفسیر موضوعی با علوم انسانی و حتی گاه با علوم طبیعی، با گسترهٔ بسیار وسیعی از این رابطه مواجهیم و این ارتباط را در هر سه لایهٔ طرح نظام‌مند استاد مصباح می‌توان سراغ گرفت. در لایهٔ اول، بخشی

از مباحث جهان‌شناسی در قرآن با دانش‌های طبیعی مثل اخترشناسی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، هواشناسی، دریاشناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی یا حشره‌شناسی ارتباط می‌یابد و گاهی هم با مبحث فرهنگ‌شناسی یا زبان‌دین. مبحث انسان‌شناسی در تفسیر موضوعی نظام‌مند با دانش‌های مردم‌شناسی، ژنتیک، جنین‌شناسی و زیست‌شناسی انسانی (فرضیه‌های تکاملی)، پیوند و نوعی تلاقی دارند و از قرینیت یا عدم قرینیت دستاوردهای این‌گونه دانش‌ها در تفسیر موضوعی می‌توان سخن به‌میان آورد یا اینکه براساس نظر قرآن، بسیاری از این فرضیه‌ها یا نظریه‌ها را تقویت یا تضعیف کرد.

اما مباحث اخلاق و نظام اخلاقی با مباحث و رشته‌های علوم انسانی، همچون فلسفه اخلاق، روان‌شناسی، علم اخلاق و تعلیم و تربیت ارتباط می‌یابد و همه اینها می‌توانند بر هم تأثیر متقابل داشته باشند. این علوم در تنقیح و دقیق‌تر شدن موضوعات در تفسیر موضوعی تا حدی می‌توانند اثرگذار باشند و براساس نظرات قرآن می‌توان اشکالات این علوم را دست‌کم تقلیل داد. بحث جامعه و تاریخ در قرآن با دانش‌های جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ و فلسفه جامعه‌شناسی ارتباط نزدیکی دارد. همچنین پیوند مبحث حقوق و سیاست در قرآن با مباحث فلسفه حقوق و فلسفه سیاست و نیز با خود دانش‌های حقوق و سیاست و روابط بین‌الملل ملموس‌تر است. در تفسیر موضوعی آیات اقتصادی یا آیات مربوط به مدیریت نیز می‌توان دقیقاً همان پیوند را با فلسفه اقتصاد و برخی مسائل دانش اقتصاد و نیز در مطاوی سخن با فلسفه مدیریت و برخی مسائل دانش مدیریت می‌توان مشاهده کرد.

استاد آیت‌الله مصباح، هم نظر برگرفته از قرآن را به‌عنوان نظر رقیب در برابر نظرات موجود و رایج در این دانش‌ها مطرح کرده و هم براساس نظر قرآن، بسیاری از نظریات در علوم انسانی رایج را فراوان نقد و رد کرده است.

در هیچ‌یک از آثاری که با عنوان معارف قرآن یا تفسیر موضوعی قرآن توسط عالمان مسلمان دیگر عرضه شده است، نمی‌توان این ویژگی را با این کمیت و کیفیت جست. استاد مصباح از سویی در هریک از حوزه‌های موضوعی مورد بحث با تحلیل و توصیف دقیق نظریه‌های صاحبان اندیشه در مکاتب بشری، چه شرقی و چه غربی، توانسته است زمینه نوعی تطبیق و مقایسه و رقابت بین نظر قرآن و نظریات دیگر را فراهم کند و از سویی دیگر این توفیق را داشته است که با بررسی دیدگاه‌ها و نظریات رقیب و ارزیابی و نقد منطقی آنها و نمایاندن ضعف‌ها و نقایصشان، نظر قرآن را در این میان برجسته سازد و امتیازش را به رخ کشد؛ کاری که در هیچ‌یک از تفاسیر موضوعی متعارف خبری از آن نیست یا اگر احياناً اشاراتی از این قبیل در برخی آنها پیدا شود، بسیار کم‌رنگ یا غیرفنی است. البته اثر شهید صدر در این باب را باید استثنا کرد. بنابراین این‌گونه توجهات به علوم انسانی و مکاتب علمی و فلسفی روز را باید از ویژگی‌های منحصربه‌فرد کار تفسیر موضوعی نظام‌مند حضرت استاد مصباح شمرد.

۴-۱-۲. مواجهه عالمانه و مسئولانه با چالش‌ها و شبهات روز

از دیگر ویژگی‌های تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد آیت‌الله مصباح که از خلال آن تا حدی به شخصیت علمی

ایشان در زمینه معارف قرآنی و تفسیری نیز می‌توان واقف شد، این است که استاد در مباحث تفسیری، نسبت به چالش‌های فکری و اعتقادی و اخلاقی رایج و همچنین در مواجهه با شبهات مطرح مرتبط با معارف و آموزه‌های دینی و قرآنی، دارای بصیرت و حساسیت ویژه‌ای است و علاوه بر آن، مسئولانه به حل و رفع و پاسخ به آنها اقدام کرده است. این اهتمام و مواجهه عالمانه و مسئولانه، در لابه‌لای تمامی آثار و بحث‌های تفسیری و قرآنی استاد به‌وضوح قابل مشاهده است. وی براساس استدلال‌های محکم عقلی و نقلی و احیاناً تجربی، در مقام دفع این چالش‌ها و زدودن این شبهات برآمده است. استاد با تبیین‌های عالمانه‌ای که از معارف قرآن ارائه می‌دهد، حتی از شبهات و چالش جدید پیشگیری و آنها را از قبل دفع می‌کند.

۲-۲. نظریه‌پردازی در تفسیر قرآن

اگر کوشش‌های عالمانه در دانش تفسیر را از جهت مراتب تخصصی به سه سطح متعارف، میانه و عالی تقسیم کنیم، می‌توانیم از سه دسته افراد در این باب با عناوین «قرآن‌پژوه»، «مفسر» و «نظریه‌پرداز» سخن به‌میان آوریم. جنس فعالیت علمی قرآن‌پژوه در حد گردآوری، تنقیح یا تحریر و گزارش اندیشه‌ها و آثاری است که متخصصان سطح میانه یا سطح عالی دانش تفسیر تولید یا ارائه کرده‌اند؛ مفسران نوعاً قرآن‌شناس‌اند و توان تشخیص صحیح از سقیم مطالب و آرا را در این دانش دارند و می‌توانند یافته‌های خود را به‌صورت تحلیلی و استدلالی ارائه کنند و به نقد آرا و اندیشه‌های دیگر متخصصان بپردازند؛ اما نظریه‌پرداز قادر به اندیشه‌ورزی و نوآوری درباره شئون مختلف مرتبط با قرآن، چه در منطق فهم آن و چه در تفسیر آیات آن، است. در تاریخ دانش تفسیر، کمتر کسانی به مرتبه نظریه‌پردازی نائل شده‌اند. نظریه‌پردازان همیشه در افقی از اندیشه‌ورزی حرکت می‌کنند که با ابتکار، خلاقیت و نوآوری در ایده و اندیشه و نظر و سخن همراه است و در واقع مرزهای مبنایی و بنایی یک دانش را پیش می‌برند. به‌اعتقاد نگارنده، بدون شک استاد آیت‌الله مصباح یزدی شخصیتی است که در تراز نظریه‌پردازی و اندیشه‌سازی در دانش تفسیر قرآن و شئون مختلف آن ظهور کرده است و تحقیقات و فعالیت‌ها و آثار علمی وی در زمینه تفسیر قرآن و مبادی و مسائل آن گواه این مدعاست.

۲-۳. نگرش سیستمی به آموزه‌های قرآنی در مقام مطالعه و نظر

از ویژگی‌های ممتاز استاد مصباح در پرداختن به مطالعات دینی و قرآنی، نگرش سیستمی ایشان به مجموعه آموزه‌های دین و معارف قرآن است. مقصود از نگاه سیستمی به معارف قرآن، نگرشی است که محقق در مقام مطالعه، مجموعه گزاره‌ها و آموزه‌های دین و قرآن را مرتبط با هم در قالب یک کل بررسی می‌کند و درصدد کشف روابط منطقی اجزای این منظومه با یکدیگر و با کل برمی‌آید و می‌کوشد اجزای مختلف آن را با توجه به این ارتباط، تحلیل و تبیین کند.

موفقیت دیگر استاد مصباح در این‌باره که ناشی از نگرش سیستمی وی به معارف قرآن است، کشف دقیق

ارتباط آنها با حوزه‌های مختلف نیازهای اساسی بشر است. حاصل امتزاج آن نوع نگرش و این کشف این بوده است که وقتی به مجموعه دستاورد تفسیر موضوعی ایشان نظر می‌کنیم، به‌وضوح درمی‌یابیم که از سویی هر قسمت از این مجموعه مربوط به یک بخش از نظام فکری اسلام و قرآن و از سوی دیگر ناظر به یکی از حوزه‌های اساسی نیازهای زندگی انسان است. تمام بخش‌های این مجموعه در این ویژگی مشترک‌اند و منظومه اندیشه دینی در آن بر پایه یک ربط منطقی به‌صورت نظام‌مند به‌خوبی در کنار هم نشسته‌اند و نیازهای انسان را در همه حوزه‌های اعتقادی و اخلاقی و مربوط به تربیت، حقوق و سیاست، و اقتصاد و مدیریت و جز آن پوشش می‌دهند.

۴-۲. نگرش منظومه‌ای به معارف قرآن در مقام عرضه

امتیاز ویژه دیگر کار و آثار استاد آیت‌الله مصباح در تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن این است که استاد نگرش منظومه‌ای به معارف دین و قرآن دارد و هر موضوعی را در آن نظام و شبکه فکری منسجم قرآنی دنبال می‌کند و به‌عنوان بخشی از آن نظام بررسی و عرضه می‌نماید، نه به‌صورت مسائل پراکنده و جزئی که ارتباط روشنی با منظومه فکری مکتب نداشته باشد؛ چنان‌که نوع تفاسیر موضوعی دیگر دچار این کاستی هستند.

به‌نظر آیت‌الله مصباح، در برابر نظام‌های فکری باطل هرگز نمی‌توان با تکیه بر تفسیر ترتیبی و بیان مطالب پراکنده، نظام فکری منسجمی ارائه کرد. از آنجاکه همه مکتب‌های انحرافی کوشیده‌اند تا با ارتباط میان یک سلسله مسائل، یک کل منظم و هماهنگ به‌وجود آورند و اندیشه‌های باطل خود را منسجم معرفی کنند، باید معارف قرآن را به‌صورت نظام‌مند و منظم عرضه کرد. بنابراین به‌ناگزیر باید معارف قرآن را دسته‌بندی کرد تا از یک سو آموزش آن برای فراگیران آسان و از سوی دیگر در برابر سایر نظام‌های فکری قابل عرضه باشد (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸-۱۰).

۴-۵. توسعه تفسیر موضوعی و عملیاتی کردن حداکثری آن

ویژگی دیگری که بر شخصیت ممتاز استاد مصباح در عرضه تفسیر قرآن دلالت دارد، اهتمام خاص او به توسعه تفسیر موضوعی و توفیق اجرای این سبک تفسیری به‌صورت حداکثری است. وی بعد از آنکه به طراحی یک مدل جامع برای نظام موضوعات قرآنی دست یافت و تمام موضوعات اساسی قرآن را احصا و در یک ارتباط منطقی با یکدیگر نظم و نسق بخشید، موفق شد که این طرح را عملیاتی کند و به‌صورت شایسته‌ای در گستره وسیعی از موضوعات قرآنی به‌اجرا درآورد و معارف قرآن را به‌صورت موضوعی استخراج کند.

قابل ذکر است، همه آثار که در تفسیر موضوعی ارائه شده‌اند، علاوه بر اینکه به‌لحاظ زمانی پس از کار استاد آیت‌الله مصباح آغاز شده و به‌ظهور رسیده‌اند و از نظر سبک و سیاق بحث نیز با کار استاد مصباح تا حد زیادی متفاوت‌اند، هیچ کدامشان به‌لحاظ موضوعی مشتمل بر همه یا غالب موضوعات قابل بحث از نظر قرآن نیستند و به‌تبع آن، هیچ‌یک در قیاس با تفسیر موضوعی استاد مصباح موفق به ارائه حداکثری تفسیر موضوعی آیات قرآن

نشده‌اند؛ مثلاً تفسیر موضوعی *مفاهیم القرآن* استاد سبحانی مربوط به مسائل اعتقادی، و *منشور جاوید* او بیشتر در زمینه موضوعات اعتقادی و تا حدی اخلاقی است. همچنین *پیام قرآن* استاد مکارم شیرازی تنها به نظام و مسائل اعتقادی و اخلاقی پرداخته است. دوره اول هفت‌جلدی *تفسیر موضوعی قرآن مجید* استاد جوادی آملی هم عمدتاً اعتقادی و اخلاقی است. وی در دوره هجده‌جلدی اخیر، برخی موضوعات همچون انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و قرآن‌شناسی را نیز افزوده است. تفسیر موضوعی *المدرسه القرآنیة* اثر شهید سیدمحمدباقر صدر هم تنها به یک موضوع در قرآن (سنت‌های الهی در تاریخ) پرداخته است.

بنابراین در دو عرصه، فضل تقدم با استاد مصباح یزدی و آثار اوست: هم از جهت تلاش برای احصا و استقصای همه موضوعات قابل تفسیر در قالب طرحی کل‌نگر برای موضوعات؛ و هم از جهت تحقق بخشیدن تفسیر موضوعی آیات قرآن به صورت حداکثری و فراگیری نسبت به تقریباً همه موضوعات قابل بررسی در قرآن.

۳. نگرشی در آثار تفسیری استاد مصباح و تحلیل محتوایی آنها

در یک نگاه کلی، آثار تفسیری استاد آیت‌الله مصباح از نظر سبک تفسیری دو گونه‌اند: برخی آثار قرآنی ایشان به سبک تفسیر ترتیبی یا تفسیر تجزیه‌ای قرآن هستند و بخشی دیگر به سبک تفسیر موضوعی یا منظومه‌ای قرآن است.

۳-۱. آثار تفسیری استاد به سبک ترتیبی و تحلیل محتوایی آنها

آثاری که از استاد در زمینه تفسیر ترتیبی قرآن باقی مانده، بسیار محدود است. همان‌گونه که در ابتدای این مقال گفتیم، استاد در آغاز، به تفسیر قرآن به سبک ترتیبی اشتغال داشت؛ ولی بعد از چندی از آن منصرف شد و به تفسیر موضوعی روی آورد. آنچه از آثار ایشان در این سبک موجود است، بدین قرار است: ۱. تفسیر سوره حمد و توحید در کتاب *به سوی تو* (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، کل کتاب)؛ ۲. تفسیر سوره بقره از آیه ۱ تا آیه ۲۱۵ که در سال ۱۳۵۱ در قالب درس‌گفتار ارائه شد و بخش‌هایی از آن در شماره‌های ۱ تا ۷ و ۹ مجله *قرآن‌شناخت* (مصباح یزدی، ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱) و به تازگی بخشی از آن با عنوان *مشکات فروزان در تفسیر قرآن* انتشار یافته است؛ ۳. تفسیر آیات ابتدای سوره مؤمنون و آیات پایانی سوره فرقان در کتاب *رستگاران* (مصباح یزدی، ۱۳۸۸-الف، کل کتاب)؛ ۴. تفسیر مفصل آیه ششم سوره انشقاق در کتاب *لقای الهی* (مصباح یزدی، ۱۳۸۸-الف، کل کتاب)؛ ۵. تفسیر سوره‌های کوتاه جزء سی‌ام در مدرسه حقانی.

آیت‌الله مصباح در این بخش از آثار تفسیری، مانند همه مفسران سبک ترتیبی، قرآن را آیه‌به‌آیه تفسیر کرده است و روش و سبک و سیاق کار ایشان تقریباً شبیه روش و سبک کار تفسیری استادش علامه طباطبائی است؛ بدین صورت که پس از روشن کردن مراد استعمالی آیات بر اساس مباحث لغوی و ادبی، با استناد به قرینه سیاق و سایر آیات مرتبط هم‌محتوا و گاه قرائن عقلی و نقلی دیگر، به روش اجتهادی آنها را تفسیر می‌کند.

۲-۳. آثار تفسیری استاد به سبک موضوعی و تحلیل اجمالی محتوای آنها

بیشتر آثار تفسیری استاد مصباح در قالب تفسیر موضوعی عرضه شده‌اند که مجموع آنها را ذیل این عنوان‌ها می‌توان قرار داد: خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی، قرآن‌شناسی، اخلاق در قرآن (شامل بنیادهای اخلاق، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی)، جامعه و تاریخ در قرآن، حقوق در قرآن، سیاست در قرآن، اقتصاد در قرآن، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، خلقت انسان از نظر قرآن، برنامه عبادی اسلام در قرآن و احکام فردی در قرآن.

گویا استاد بحث‌های دیگری در تفسیر موضوعی با عنوان «هدایت و اضلال الهی از نظر قرآن» و «آیات تکوینی الهی در قرآن» نیز داشته‌اند که احتمالاً جایی ثبت و ضبط نشده‌اند و در حد یادداشت‌های شاگردان شرکت‌کننده در جلسات درس باقی مانده است.

این دسته از آثار ایشان را به لحاظ محتوایی و معرفتی می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. آثار متعلق به مباحث بنیادین الهیاتی؛ ۲. آثار متعلق به مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی؛ ۳. آثار متعلق به مسائل نظامات اجتماعی؛ ۴. آثار متعلق به احکام عبادی و فردی انسان.

۲-۳-۱. آثار متعلق به موضوعات بنیادین الهیاتی

این دسته از آثار تفسیری شامل کل مبحث خداشناسی، بخش‌هایی از جهان‌شناسی، کل بحث انسان‌شناسی و نیز بحث خودشناسی برای خودسازی (به دلیل صیغه غالب قرآنی آن)، تمام بحث‌های راه‌شناسی و نیز راهنماشناسی و بخش‌هایی از مبحث قرآن‌شناسی می‌شود. دو کتاب دیگر استاد با عنوان *خلقت انسان از نظر قرآن و پرتوی از امامت و ولایت در قرآن* نیز در همین دسته می‌گنجد.

۲-۳-۲. آثار متعلق به مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی

آثار تفسیری موجود از استاد مصباح در ارتباط با مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی در قرآن، شامل موارد زیر است: جلد اول *اخلاق در قرآن* که مربوط به فلسفه اخلاق است؛ سه فصل اول و احتمالاً فصل آخر *جامعه و تاریخ* که به مباحث فلسفه جامعه و تاریخ می‌پردازد؛ بخش عمده *حقوق در قرآن* که به فلسفه حقوق مربوط می‌شود و بخشی از مباحث *سیاست در قرآن* که به فلسفه سیاست می‌پردازد. استاد کتابی هم در زمینه مبانی مدیریت دارند با عنوان *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی* که در آن به برخی مبانی مهم آن از نظر قرآن پرداخته‌اند. این بخش از آثار استاد به نحوی فلسفه‌های مضاف در علوم انسانی را با نظر به دیدگاه قرآن بررسی می‌کند.

۲-۳-۳. آثار متعلق به نظامات و مسائل اخلاقی و اجتماعی

در این دسته از آثار تفسیری، استاد مصباح وارد حوزه گسترده نظامات و مسائل اجتماعی معطوف به علوم اسلامی و علوم انسانی مرتبط با آنها از منظر قرآن شده است. از این آثار می‌توان به جلد دوم و سوم *اخلاق در قرآن* اشاره کرد

که نظام اخلاقی مستفاد از قرآن را، هم در حوزه اخلاق فردی و هم در بخش اخلاق اجتماعی، بیان می‌کند. بیشتر مباحث کتاب **جامعه و تاریخ در قرآن** که استاد در آن وارد مسائل جامعه‌شناسی از دیدگاه قرآن شده است و نیز بخشی از کتاب **حقوق در قرآن** و بخش عمده کتاب **سیاست در قرآن** نیز مربوط به این دسته می‌شوند. در دو کتاب اخیر، استاد نظامات حقوقی و سیاسی و برخی مسائل سیاسی و حقوقی را از منظر آیات بررسی می‌کند. ایشان در کتاب **اقتصاد در قرآن**، که هنوز چاپ نشده است، به اختصار به بخش‌هایی از نظام اقتصادی اسلام از منظر آیات قرآن می‌پردازد.

۳-۲-۴. آثار متعلق به احکام فردی و مسائل عبادی

این بخش از آثار تفسیر موضوعی استاد مصباح که به صورت شفاهی است (مصباح یزدی، ۱۳۶۱)، از جلسه ۶۸ تا جلسه ۷۲)، یا مربوط به اعمال فردی انسان است که رکن اساسی آن را تقویت رابطه انسان با خدا تشکیل می‌دهد و عمدتاً به مقوله نماز، روزه، حج، قربانی، دعا و ذکر از دیدگاه قرآن تعلق دارد (ر. ک: مصباح، ۱۳۶۷، ص ۱۶) یا متعلق به احکام فردی است و به حلال و حرام در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و تجمل و زینت در قرآن می‌پردازد (ر. ک: همان، ص ۱۶).

نتیجه‌گیری

از آنچه گفتیم، به دست می‌آید که استاد آیت‌الله محمدتقی مصباح دارای شخصیت علمی ذوابعدای است که یکی از مهم‌ترین وجوه شخصیت ایشان برجستگی‌شان در دانش تفسیر قرآن است. آیت‌الله مصباح در تفسیر قرآن مبتکر مدل تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن است. این مدل ابتکاری، تفسیر موضوعی را دارای چهار ویژگی و امتیاز کرده است:

۱. تفسیر ایشان کل‌نگرانه و جامع تمام موضوعات قابل بررسی در قرآن بوده و استاد در عمل نیز آن را اجرا و عرضه کرده است؛

۲. تفسیر ایشان مطابق و متناسب با منظومه نظام‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام است؛

۳. تفسیر ایشان در پیوند با دانش‌های اسلامی و علوم انسانی است؛

۴. تفسیر ایشان ناظر به چالش‌ها و شبهات روز و رفع و دفع آنهاست و از خلال این ویژگی‌ها می‌توان اضلاع شخصیت علمی - تفسیری استاد مصباح را بهتر شناخت.

علاوه بر این، استاد مصباح در تفسیر قرآن، نه یک مفسر عادی، که یک شخصیت علمی اندیشه‌ورز و نظریه‌پرداز است. وی دانش تفسیر را از سبک رایج آیه‌ای و ترتیبی به سبک تفسیر منظومه‌ای و موضوعی در مقام نظر و عمل ارتقا و توسعه بخشیده است.

آثار علمی استاد مصباح در حوزه تفسیر قرآن امتیازات خاصی دارد. این آثار، بخش کمتری در تفسیر ترتیبی

آيه‌ای هستند و عمدتاً به تفسير موضوعی قرآن تعلق دارند. امتياز مهم آثار تفسيری استاد مصباح اين است که نظام و منظومه اندیشه اسلامی را در چهار حوزه «موضوعات و مسائل بنيادين الهياتی»، «مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی»، «مسائل نظامات اخلاقی و اجتماعی» و نیز «احکام عبادی و فردی انسان» براساس آموزه‌ها و اندیشه‌های قرآنی تغذيه و تنظيم و سامان‌دهی می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسماعیلی، سیدمحمد، ۱۴۰۰، «بررسی تطبیقی روش تفسیر موضوعی آیت الله مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ش ۲۴، ص ۵۳-۷۰.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۴، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، تهران، اسراء.
- _____، بی‌تا، *تفسیر موضوعی قرآن مجید*، تهران، اسراء.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۸، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح»، *قرآن‌شناخت*، ش ۴، ص ۱۴۶-۱۱۱.
- سحانی، جعفر، ۱۳۶۰، *منشور جاوید قرآن*، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین.
- _____، ۱۴۰۰ق، *مفاهیم القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- صدر، محمداقبر، ۱۴۰۰ق، *المدرسه القرآنیة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- عزیزی‌کیا، غلامعلی، ۱۳۹۵، «نگاهی به مبانی تفسیر قرآن در آثار استاد آیت الله مصباح»، *معرفت*، ش ۲۲۲، ص ۱۳-۲۸.
- فیروزیان، شبیر، ۱۳۹۱، *بررسی مبانی و آراء تفسیری آیت الله مصباح یزدی*، پایان نامه ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی و دیگران، ۱۳۶۲، *پرتوی از امامت و ولایت در قرآن*، ترجمه محمد امینی، چ دوم، تهران، میقات.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۱، *درس گفتارهای معارف قرآن*، تهران، دانشگاه الزهراء.
- _____، ۱۳۶۱، *درس‌های معارف قرآن کریم*، تهران دانشگاه الزهراء.
- _____، ۱۳۶۷، *معارف قرآن ۱-۳*، قم، مؤسسه در راه حق.
- _____، ۱۳۸۳، *به‌سوی تو*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸الف، *رستگاران*، چ سوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸ب، *لقای الهی*، چ دوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۹، *خداشناسی*، تحقیق امیررضا اشرفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۴، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، چ پنجم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۴۰۳، *مشکات فروزان ددر تفسیر قرآن*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، بی‌تا، *حُلق انسان از نظر قرآن*، تدوین محمود محمدی عراقی، قم، شفق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۶۷، *پیام قرآن*، قم، مدرسه الامام امیر المؤمنین.
- _____، ۱۳۷۹، *اخلاق در قرآن*، چاپ دوم، قم، مدرسه الامام امیر المؤمنین.
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹، *تبیین ضرورت معارف قرآن کریم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.